Theories and criticism in Arabic literature
The Second Year, Issue ۷, Autumn۱٤۰۱
Pp: ۲۱-٤۰

Research Paper
DOI: ۱۰,۲۲۰۳٤/JRAL.۲۰۲٥,٥٤۱۳۸۰,۱۰٦٤

Analysis and Criticism of the Male Figure in the Poems of Contemporary Arab Female Poets (Case Study; Lamia Abbas Amara, Ghada Al-Saman, Fadwi Touqan, Nazq sadegh Al-Malaika)

Hedayatallah taghizadeh [۱]

(Received:۲۰۲٥,۰۹,۰۸,Accepted:۲۰۲٥,۰۸,۱٤)

Abstract

The image of men in women's poems has long had various themes. In the contemporary period, social changes and the influence of European culture have caused female poets to express their feelings more freely towards men and present vivid images of their reality; therefore, we must look for images of men among their poems. This article intends to use a descriptive-analytical method to analyze the subject of men in the poems of four contemporary Arab female poets (Lamia Abbas Amara, Ghada Ahmed Al-Saman, Fadwi Touqan, Nazk Sadeq Al-Malaika) considering their reputation and scientific credibility, wide geographical coverage, and the inclusion of a complete range of male images.The research question is what are the positive and negative effects of male personality in their poetry? What do Lemiyeh and Toghan think about men? Has the man been given special attention in the works of these poets? In response, it should be said that the image of a man in the poetry of these poets is in two forms: ۱- The positive form that the face of a man is a lover that is the manifestation of love and peace.۲- The negative form that depicts the face of a cheerful, unfaithful, cruel and selfish man They kill. The results show that despite having a common language, the four poets had similarities and differences in content and style, and they expressed their feelings, sometimes in symbolic language and sometimes explicitly with concepts such as oppression, sorrow and discrimination from patriarchal society. They criticized and showed the real face of the man, with the difference that Lamiyeh expressed his feelings and emotions towards the man and Toghan expressed his feelings with a veil, and the poems of Al-Saman and Nazak in opposition to the patriarchal society, Men's infidelity and protest against the unfavorable situation and inequality of women's rights.

Key words: Contemporary Arabic poetry, gender representation, Arab female poets, feminist criticism, male image.

---

۱. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, Farhangian University, Tehran- Iran, Email: drtaghizadeh@cfu.ac.ir

© The Author. **Publisher**: Kosar University

التنظيرات و النقد فی الأدب العربي
السنة الثانية، العدد ۷، خريف ۱٤۰۱
صص: ٤۰-۲۱
DOI: ۱۰,۲۲۰۳٤/JRAL.۲۰۲٥,٥٤۱۳۸۰,۱۰٦٤

واکاوی و نقد سیمای مرد در سروده‌های شاعران زن معاصر عرب (مطالعهٔ موردی؛ لمیعهٔ عباس عمارهٔ، غادهٔ السمان، فدوی طوقان، نازک صادق الملائکهٔ)

هدایت‌الله تقی‌زاده [۱]

(تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۵/۲۳ ، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۷)

چکیده

تصویر مرد در اشعار زنان، از دیرباز با مضامین مختلف بوده است. در دورهٔ معاصر تحولات اجتماعی و تأثیرپذیری از فرهنگ اروپایی باعث شده که شاعران زن آزادانه‌تر نسبت به مرد ابراز احساسات کنند و تصاویر زنده‌ای از واقعیت آنان ارائه دهند؛ پس باید در میان اشعار آنان به دنبال تصاویری از مرد باشیم. این مقاله در نظر دارد با روش توصیفی– تحلیلی موضوع مرد را در اشعار چهار شاعر زن معاصر عرب (لمیعهٔ عباس عمارهٔ، غادهٔ احمد السمان، فدوی طوقان، نازک صادق الملائکهٔ) را با توجه به شهرت و اعتبار علمی آنان، پوشش جغرافیایی وسیع، در برگرفتن طیف کاملی از تصاویر مردانه، مورد واکاوی قرار دهد. سؤال پژوهش این که جلوه‌های مثبت و منفی شخصیت مرد در شعر آنها چگونه است؟ نظر لمیعهٔ و طوقان در مورد مرد چیست؟ مرد در آثار این شاعران به طور خاص مورد توجه قرار گرفته است؟ در پاسخ باید گفت که سیمای مرد در شعر این شاعران به دو شکل است: ۱- شکل ایجابی که سیمای مرد معشوقی است که مظهر عشق و آرامش هست. ۲- شکل سلبی که سیمای مرد خوشگذران، بی‌وفا، ظالم و خودخواه را به تصویر می‌کند. نتایج نشان می‌دهد چهار شاعر با وجود اشتراک در زبان، شباهت و تفاوت‌هایی در مضمون و اسلوب داشتند و آنها با بیان احساسات خود، گاه با زبان نمادین و گاه با صراحت با مفاهیمی چون ظلم، اندوه و تبعیض از جامعه مرد سالار انتقاد کردند و چهرهٔ واقعی مرد را نشان دادند؛ با این تفاوت که لمیعهٔ عواطف و احساسات خود را نسبت به مرد بی‌پرده و طوقان احساسات خود را با پرده‌پوشی بیان نموده است و اشعار السّمان و نازک در مخالفت با جامعهٔ مرد سالار، بی‌وفایی مرد و اعتراض به وضعیت نامطلوب و نابرابری حقوق زنان است.

کلید واژگان: شعر معاصر عربی، بازنمایی جنسیت، شاعران زن عرب، نقد فمینیستی، سیمای مرد.

---

۱. دانشیار، گروه آموزش زبان و ادبیات عرب، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه فرهنگیان، تهران- ایران، ایمیل: drtaghizadeh@cfu.ac.ir

© **حق مولف نویسنده** **ناشر:** دانشگاه کوثر

۱. مقدمه

در ادبیات عربی زیر سایهٔ غلبه مردان بر شعر و ادبیات، هویت شاعران و نویسندگان زن، تا حدودی ناشناخته باقی مانده بود، در سال‌های اخیر حضور شاعران زن در ادبیات با ارائهٔ آثار قابل قبول، بیشتر دیده و احساس می‌شود. امروزه تلاش زنان شاعر فرهیخته و نواندیش برای به تصویر کشیدن مردان در اشعار خود زیر سایهٔ تحولات اجتماعی و تأثیرپذیری از فرهنگ غرب باعث شده که آنان آزادانه‌تر به شعرهای مردانه روی آورند. سخن از مرد، آزادی، حقوق مساوی زن و مرد و بهبود وضعیت زنان از مسائلی است که بسیار در اشعارشان به چشم می‌خورد

نقش مرد در تهیهٔ احتیاجات زندگی بسیار مهم و در آن هیچ شک و تردیدی وجود ندارد. آداب و رسوم حاکم بر جامعه عرب، گواه بر این حقیقت است که زن با سرکوب‌هایی روبرو بود. او برای بیان عشق در محدویت بود و آزادانه نمی‌توانست مکنونات قلبی خود را بیان‌کند؛ اما پس از عصر روشنگری، زنان خواهان دستیابی حق ضایع شده خود شدند. خداوند استعداد و توانایی خواندن و نوشتن و درک درست را به زن و مرد یکسان بخشید و هیچ تفاوتی بین این دو نیست؛ اما ویژگی‌های زنانه باعث شد نوع نگاه بانوان به هستی، زاویه دید و طرز بیان آنان با مردان متفاوت باشد (حسین زاده بولاقی، ۱۳۸۷: ۱۳۶). شعر زن بنا به روحیات ویژه او بیانگر آرزوها، دردها و نیازهای اوست و از آنجا که خود نیمی از اجتماع بشری و پرورش دهنده نیم دیگر است، می‌توان گفت: شعر زنانه انعکاس عواطف و نیازهای نوع بشر است (همان، ۹).

این مقاله با روش توصیفی و تحلیل محتوا بر آن است تا به بررسی سیمای مرد در شعر چهار شاعر زن عرب معاصر بپردازد و لزوم توجه به مطالعه تصویر مرد در شعر زن را توصیه می‌نماید؛ زیرا این موضوع کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

در اشعار شاعران زن در طول تاریخ، مرد محور اصلی زندگی و ستون خانواده است. آنها نگاه مردسالاری به او داشتند. برخی وجود او را مانند ماه در شب تاریک دانسته‌اند؛ مانند خنساء شاعر جاهلی که فقدان برادرش صخر را به ماه در تاریکی تشبیه نموده و می‌گوید:

كُنّا كَأَنْجُمِ لَيلٍ وَسَطَها قَمَرٌ يَا صَخْرُ مَا كُنْتُ فِي قَوْمٍ أُسَرَّ بِهِم
إِلّا وَإِنَّكَ بَيْنَ القَوْمِ مُشْتَهِرُ يَجْلُو الدُّجَى فَهَوى مِنْ بَينِنَا القَمَرُ

ترجمه: ما در شب تاریک مانند ستاره بودیم که ماه وسط آن است، تاریکی را از بین می‌برد؛ بنابراین او در میان ما ماه است. ای صخر! تو در میان قوم و خانواده خود معروف هستی (السیف،۱۳۹۶: ۲۰۹).

لازم به ذکر است که در تحقیقات و تحلیل‌هایی که تاکنون در اشعار شاعران زن ارائه شده است، بیشتر با درون‌مایه فمنیسمی و نگاه زنانه آنان به جامعه، سبک ادبی و نوع بیان، طریقه نگاه به زن و چگونگی تعامل با او و مشکلات و مصائب آنها و موضوعات متنوع دیگری از این قبیل بحث شده‌است؛ اما موضوع مرد در شعر زنان معاصر کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

لمیعهٔ عباس عمارهٔ شاعر معاصر عراقی، غادهٔ السمان ادیب و نویسنده توانمند سوری، فدوی طوقان شاعر فلسطینی، نازک الملائکهٔ شاعر معاصر عراقی، از شاعران زن معاصر عرب هستندکه به اشعار مردسالارانه روی آوردند و شعرشان از تصاویر مردانه خالی نیست. ایشان با مضامین مختلف به بررسی سیمای مرد در اشعار خود پرداختند و احساسات مثبت و منفی خودشان را نسبت به او بیان نمودند

و گاهی حرف از آزادی و حقوق تساوی مرد و زن زدند؛ لذا این تحقیق – با توجه به اینکه تاکنون بطور خاص به این موضوع پرداخته نشده است– سعی دارد از این جنبه به بررسی و تحلیل اندیشه و آثار چهار شاعر زن معاصر بپردازد؛ زیرا بیان دیدگاه این چهار شاعر زن در مورد مردان، امری است که می‌تواند در تعاملات و یا تقابل‌های زنان و مردان جامعه تأثیر گذارد و برای رفع معایب و مشکلات موجود راه‌گشا باشد.

۱-۱. بیان مسأله و سؤال‌های پژوهش

در ادبیات عربی قدیم و جامعه مردسالار عرب، بیان حکایت‌های عاشقانه، خاص مردان بوده و زنان کمتر به آن پرداخته‌اند. شاعران زن عرب معاصر در اشعار خود کوشیده‌اند تا با احساس لطیف و عواطف درونی خود، دردها و دلتنگی‌ها و آرمان‌خواهی‌های خود را به گوش مخاطبانشان برسانند. ایشان به موضوعاتی از قبیل روزگار، سرنوشت، آزادی و رهایی از قید و بندهای جامعه سنتی و محرومیت زنان در جامعه پرداخته‌اند. موضوع سیمای مردان در اشعار زنان از جمله موضوعاتی است که کمتر به آن پرداخته شده و مانند تصویر زنان در شعر شاعران مرد، با گرمی و دقت مورد استقبال و توجه قرار نگرفته است. این مقاله درصدد است که سیمای مردان را در اشعار شاعران زن معاصر عرب؛ لمیعۀ عباس عمارۀ، غادۀ السمان، فدوی طوقان، نازک الملائکۀ مورد واکاوی قرار دهد و نظر آنان را در موضوعاتی مانند مرد رؤیایی و عاشق‌پیشه، اسطوره و قهرمان، مرد مثبت و معشوق، مرد غافل و خوشگذران، مرد ظالم و بی‌وفا، مردسالاری و مرد محوری، نظام سلطۀ مردانه، اصلاح و تغییر در باور و نگرش مردان نسبت به زنان، تساوی حقوق مرد و زن مورد کنکاش قرار دهد.

جستار پیش‌رو، تلاش می‌کند به سؤالات زیر پاسخ دهد که: جلوه‌های مثبت و منفی شخصیت مرد در شعر چهار شاعر زن مشهور معاصرعرب (لمیعۀ عباس عمارۀ، غادۀ السمان، فدوی طوقان و نازک الملائکۀ) کدام است؟ مقام و منزلت مرد در شعر آنان چگونه است؟ و نظر طوقان و لمیعۀ در مورد مرد چیست؟ آیا مردان در آثار و افکار این دو شاعر به طور خاص مورد توجه قرار گرفته‌اند؟ برداشت نهایی آن است این شاعران زیباترین شعرهایشان را برای مردان سروده و آنها را تکیه‌گاه و مظهر آرامش خود دانسته‌اند و در شعرهایشان اعتراض‌هایی نسبت به مردان داشتند و خواستند که مردان نگاه ابزاری و مادی نسبت به زنان نداشته باشند و زنان نیز مثل مردان از حق و حقوق خود برخوردار باشند.

۱-۲. اهداف و ضرورت تحقیق

در طول تاریخ به خاطر تقالید بی‌اساس و بدفهمی از مسائل دینی، زن عرب مورد ستم واقع شد. به همین دلیل در دوره معاصر، عده‌ای از زنان شاعر عرب با اطلاع و تأثیر از فرهنگ غرب، به انعکاس تصویر مرد در اشعار خود پرداختند و عَلَم برابری و مساوات زن با مرد را برافراشتند که از جمله آنها؛ لمیعۀ عباس عمارۀ ، غادۀ السمان، فدوی طوقان، نازک الملائکۀ می‌باشد. آنان تصاویر زنده‌ای از واقعیت مرد ارائه می‌دهند، این شاعران مردان را از نظر برخورد با زن مورد ستایش یا به شدت نکوهش نموده و در مورد آنها شعر سروده‌اند که در این جستار به بررسی بازتاب تصویر مردانه و جایگاه مرد در این اشعار می‌پردازیم.

۱-۳. پیشینهٔ پژوهش

پژوهش‌های علمی متعددی در حوزه ادبیات تطبیقی، جنسیت و فمینیستی انجام شده است. برخی پژوهش‌های مشابه یا مرتبط با موضوع مورد مطالعه عبارتند از:

بلقاسم (۲۰۱۷) به بررسی سیمای مرد در شعر زنان اندلسی پرداخته و مرد را در یک تصویر مقدس به نمایش می‌گذارد و خصوصیات او؛ مانند: خورشید، ستاره، شیر را نشان می‌دهد. احمد حسن (۲۰۱۷) در پایان‌نامه خود سیمای مرد در شعر زن عرب را در نیمه دوم قرن بیستم به تصویر کشیده و بیان می‌کند که مرد عرب در خانواده جایگاه برجسته‌ای را اشغال می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که زنان در جامعه سنتی نسبت به مردان در آموزش و کار یا مشارکت سیاسی و اجتماعی به طور کلی فرصت مساوی نداشتند. الظفیری (۲۰۱۶) به بررسی تحلیلی تصویر مردان در شعر شاعران زن پرداخت و سعی‌کرد زاویهٔ رابطه عاطفی زن و مرد را دریابد و شعر شاعران أنغام الخلود، هجیر، أصیلهٔ السهیلی را بررسی نمود و به این نتیجه رسید که متون شاعرانه زنان عاری از ابهام است و زن در احساسات خود ساده است و فقط از مرد، او را می‌خواهد. السیف (۱۳۹۶) در کتاب الرجل فی شعر المرأة به این موضوع پرداخت. او مرد را مرکزی می‌داند که بیشتر شعرها پیرامون او می‌چرخند و در آن خصوصیات اخلاقی، جسمی مرد را بیان نمود.

قهرمانی و قهرمان‌پور (۱۳۹۵) در تحقیقی به مقایسهٔ تطبیقی سیمای مرد در اشعار فدوی طوقان و سیمین بهبهانی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که دو شاعر به بیان احساسات خود نسبت به مرد پرداخته‌اند، با این تفاوت که سیمین در اشعارش عواطف و احساسات خود را نسبت به مرد بی‌پرده بیان می‌سازد.

میرزاده (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود به نقد کهن الگویی شخصیت مرد در شعر شاعران زن معاصر عرب پرداخت و تصویرهای متناقض از مردان را تحت تأثیر فشارهای روانیِ ناشی از ناخودآگاه جمعی در شعر زنان دانست. نژاد نادری (۱۳۸۹) در پایان‌نامه خود نقش مرد در تهیهٔ احتیاجات زندگی را بسیار مهم می‌داند و این امر جز با همکاری و مساعدت زن میسر نمی‌شود و این همکاری در زمینهٔ تعلیم و تربیت و مسائل روحی و عاطفی بیشتر مورد نیاز می باشد تا انسان به آنچه پروردگار از او خواسته است، برسد.

با توجه به پیشینه موضوع، پژوهش مستقل و کاملی در مورد سیمای مرد در ادبیات منظوم زنان معاصر انجام نشده است و پژوهش‌های انجام‌شده از زوایای دیگر به این موضوع پرداخته‌اند؛ بنابراین موضوع از این نظر جدید و قابل بررسی است و بررسی محتوایی این نوع ادبی می‌تواند رهیافتی جدید درحوزه ادبیات و بهبود تعاملات و یا تقابل‌های زنان و مردان و رفع معایب و مشکلات موجود در جامعه باشد.

۱-۴. روش تفصیلی تحقیق

این پژوهش به شیوهٔ توصیفی– تحلیلی به تفسیر و تبیین و تطبیق برخی مؤلّفه‌های شاخص در شعر این شاعران می‌پردازد. در این مقاله سعی‌شده‌است تا شعر معاصر عربی از نگاه شاعران زن به مردان مطالعه شود و در این راه شاعرانی به صورت تصادفی انتخاب و شعر آنها مورد بررسی قرار گرفت که آنها عبارتند از: لمیعهٔ عباس عمارهٔ ، غادهٔ السمان، فدوی طوقان، نازک الملائکهٔ.

۲. بحث و بررسی

۲-۱- مرد از دیدگاه فمنیسم

فمینیسم دارای گروه‌های مختلفی است که با فمینیسم لیبرال شروع شده و به فمینیسم سیاه و اکوفمینیست و پست مدرن و حتی فمینیسم اسلامی رسیده است و در مورد تفاوت و تساوی زن و مرد دیدگاه‌های متفاوتی دارند. از جمله فمینیسم لیبرال بر برابری زن و مرد، فمینیسم رادیکال بر برتری زن بر مرد و فمینیسم پست مدرن بر تفاوت زن و مرد و ویژگی‌های خاص هر یک تأکید دارند (حسینی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۳). جوهرهٔ فمینیسم آن است که حقوق، مزیت‌ها، مقام و وظایف نبایستی از روی جنسیت مشخص شوند (Hawkesworth, ۲۰۰٦: ۲٦). مرد، یکی از مسائل مهمی است که در مباحث فمنیسم برجسته شده است و در واژه‌هایی؛ مانند: مردسالاری، پدرسالاری، مرد محوری، نظام سلطهٔ مردانه و... ظهور پیدا می‌کند.

بنابراین در مورد این مسأله دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد؛ برخی مردان را دشمن همیشگی و سازش‌ناپذیر زنان می‌دانند و در نگاه دیگری مردسالاری، ساختاری اجتماعی محسوب می‌شود که زاییده معانی مربوط به مذکر و مؤنث بودن است و بر اساس نگرش فمنیستی دیگری زن و مرد دو موجود متناقض و نابرابرند که با یکدیگر تضاد منافع دارند؛ بنابراین چنین تبلیغات می‌کنند که مردان مقصر اصلی زیردست بودن زنان هستند (فرازجو، ۱۳۹۵: ۲۶).

در نوشتارهای زنانه اغلب رفتار و گفتار مردان سرشار از خشونت و زورگویی و حس تملک و بی‌منطقی توصیف می‌شود که سیطره و غلبهٔ جنس مذکر بر مؤنث باعث شده که زبان زنانه، نمایشگر سلطهٔ مرد و ضعف زن و تبعیت زن از مرد باشد (عمر، ۱۹۹۶: ۳۳).

۲-۲. نگاهی گذرا به زندگی لمیعهٔ عباس عمارهٔ ملقب به (شاعرهٔ الرّجل)

لمیعهٔ عباس عمارهٔ شاعر معاصر عراقی است. در خانواده‌ای با اصل و نسب در بغداد در (۱۹۲۹.م) متولد شد. لقب عمارهٔ او منسوب به شهر عمارهٔ است که در آن متولد شد. در (۱۹۵۵.م) از تربیت معلم فارغ‌التحصیل شد. در سن ۱۲ سالگی شاعری را شروع نمود (طبانه، ۱۹۷۴: ۹). از قصاید معروف او قصیده «أنا عراقية و شهرزاد» است. او بعد از مرگ پدرش، اشعارش را برای ایلیا ابوماضی می‌فرستاد و ایلیا او را (الشاعرة الصغيرة) نامید و در مجلهٔ السمیر، اولین قصیدهٔ او را چاپ نمود. لمیعهٔ شعر نو و کلاسیک را به خوبی می‌دانست. از آثار او دیوان‌های «الزاوية الخالية وعراقية و لو أنبأني العراف» است. او اکنون در قید حیات است (محمود، ۲۰۱۴: ۲۰).

۲-۲-۱. تصویر پدر به عنوان یک مرد ایده‌آل در شعر لمیعهٔ

پدر به عنوان یک مرد ایده‌آل و الگو در زندگی او آن چنان نقش برجسته‌ای داشت که او تصویر پدرش را روی انگشتر خود حک نمود. هر کاری می‌خواست انجام دهد، وقتی تصویر پدر را می‌دید، فکر می‌کرد که او راضی نیست و از انجام آن صرف نظر می‌کرد. او در قصیده‌ای سیمای پدرش را اینگونه ترسیم می‌کند:

أبِي كَانَ في خَاتمي ثَائِراً يَحْدقَ مُسْتَنكِراً فِعْلَتِي
وَأسْمَعُه مُحْنقاً صَاخِباً أتِلْكَ اللَّمِيعَة تِلْكَ ابْنَتِي؟

ترجمه: تصویر پدرم در انگشترم پنهان بود. او به من خیره شد و کارهایم را انکار می‌کرد. من او را با صدای بلند عصبانی می‌شنوم: آیا این لمیعهٔ دختر من است؟ (طبانهٔ، ۱۹۷۴: ۹۶).

لمیعهٔ منبع عشق و دلدادگی به پدرش بود و آن را در شعرش منعکس نمود، همانطوری که به مادرش علاقه داشت و او را منبع مهربانی می‌دانست. او در قصیده (أمی) صفات مادرش را بر می‌شمرد و اشاره‌ای به پایبندی مادرش به رسوم و تقالید عرب می‌کند:

«تَعِيشُ بِذِكْرِي أَبِي مَيِّتاً مِثْلِ هِنْدِيّة وُثْنِيَّة/ فَأُمّي القُيودُ وَرجْعِيَّةُ العَصْر/ وَ القَهْرُ وَ القَمْعُ وَالقَبَلِيَّة»

ترجمه: با یاد پدرم؛ مثل یک هندی بت‌پر ست زندگی می‌کنم. مادرم ا سیر محدودیت‌ها و قیود و آداب قبیله‌ای ا ست (عباس عمارهٔ، بی‌تا: ۶۶).

مادر او را با سختی زیادی بعد از فوت پدر تربیت نمود و این سختی او را زنی قوی ساخت که در برابر مردان هوس باز بایستد. لمیعهٔ در قصاید (عراقیه، الباب الضیق، رهینه الدیرین) به آن اشاره نمود. او بعد از وفات پدر به شعر مردانه روی آورد؛ به‌گونه‌ای که او را شاعر الرجل لقب دادند.

۲-۲-۲. سیمای مرد در اشعار لمیعهٔ به دو شکل ظهور پیدا می‌کند

اول شکل مثبت آن؛ یعنی سیمای مرد معشوق (الرّجل المعشوق)؛ دوم شکل منفی آن؛ یعنی سیمای مرد مکار و هوس باز (الرّجل المخادع واللعوب)

لمیعهٔ شاعری است که در برابر مرد احساس ضعف می‌کند. او مرد را مظهر محبت و آرامش و مهربانی می‌داند و در قصیده (حلم) به آن اشاره می‌کند. سیمای مرد در نگاه او مانند خواب و رویایی است که او آرزوی دیدارش را می‌کند؛ به‌گونه‌ای که لقب (طفلی الحبیب) را به او می‌دهد و دوست دارد که او را سپیده‌دم در خواب ببیند:

«أَحْلُمُ أنْ أَلْقَاكَ/ أَحْلُمُ أنْ أرَاکَ/ يَا طِفْـــــلِي/ الحَبيـــــــب/ يَا طِفْلِي الحَبيبْ فِي مَضَارِبِ العَجَرِ»

ترجمه: خواب می‌بینم که تو را ملاقات می‌کنم، کودک دوست داشتنی من! خواب می‌بینم که تو را می‌بینم کودک عزیزم، در سپیده‌دم! (عباس عمارهٔ، ۱۹۶۹ :۱۷).

لمیعهٔ در قصیده (جحود) پرده از عشقش بر می‌دارد و بدون پایبندی به عقاید و سنت عرب، سیمای معشوقش را در تمام شرایط و احوال به تصویر می‌کشد و اینکه او سخت محتاج اوست و با او، تمام حوادث گذشتهٔ تلخش را فراموش می‌کند. این ابیات اعتراف صریح او به مردی است که دوستش دارد:

«أَهْوَاكَ بِكُلِّ مَسَاوِيكَ المُنْسِيَّة/ وَ بِكُلِّ كلُومِكَ فِي قَلْبِي/ يَقْصِينَا الضّوءِ وَ تَجْمَعَنَا الأَمْسِيَّة»

ترجمه: من تو را با تمام تلاش‌های فراموش شده‌ات، با تمام سخنانت در قلبم، دوست دارم. نور ما را دور کرد و عصر ما را گرد هم آورد (همان،۳۷).

۲-۲-۳. دوم شکل منفی آن یعنی سیمای مرد مکار و هوس باز(الرجل المخادع واللعوب)

لمیعهٔ در قصایدش مرد هوس بازی که زن را به خاطر لذت جسمانی و مادی می‌خواهد، رد می‌کند. قصیده (الباب الضيق) که به صورت گفت‌وگو میان او و محبوبش است، بهترین شاهد بر آن است:

«قَالَ: سَأبقي بَابي مَفْتُوحاً/ قُلْتُ: وَ أبقي.../ لَكِنْ قَدَمِي لَنْ تَجْتَازَ البَابَ المَفْتُوحَ/ لَنْ يَمْسَخَنِي شُوقِي»

ترجمه: گفت: درب را باز خواهم کرد، گفتم: نگه دارید... اما پاهایم هرگز از درب باز عبور نمی‌کند، شوق من، هرگز شما را گرم نمی‌کند (عباس عمارة ،۱۹۷۲: ۷۳).

از این گفت‌وگو مشخص می‌شود که او مرد هوس بازی است که لذت جسمانی زن را دوست دارد و لمیعهٔ می‌گوید: «قَالَ: أجَنّ بِجِسْمِكِ/ أحْتَاجُ إليكِ، أضَمُّكِ /أفْنِي فِيكِ أُفتُّ اللّيل بِصَدْرِكِ»

ترجمه: گفت: دیوانه بدنت هستم، به تو نیاز دارم، تو را در بر می‌گیرم، در تو نابود می‌شوم و شب را در آغوشت خرد می‌کنم (همان، ۷۴).

لمیعهٔ در جواب او می‌گوید که عشق او به معشوقه‌اش روحانی است؛ نه جسمانی: «قُلْتُ أحبُّكَ أكْثَر.../ عِيْنَاك سَمَاوَاتُ وَبُحُورٌ/ صَدْرُكَ الطَّير المَذْعُور/ حلمي يَتَجَسَّدُ مُنْذُ عُصُور/ قَالَ: إذَنْ تَأتين/ يَا حُبِّي المُطْلَق لَنْ آتِي/ لَنْ أقْتلَ ذَاتِي/ عَانِق شَبَحِي/ فِي وَحْشَةِ لَيْلِك»

ترجمه: گفتم تو را بیشتر دوست دارم ... / چشمانت مانند آسمان و صخره است/ سینه‌ات پرنده‌ای ترسو/ که رویای مرا از زمان‌های دور تجسم می‌کند. گفت: اگر تو بیایی، ای عشق مطلق من! هرگز نخواهم آمد/ هرگز خودم را نخواهم کشت/ روحم را در آغوش بگیر/ در وحشت شبت (همان، ۷۵).

از آنچه بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که لمیعهٔ از مهمترین شاعران معاصر عرب است که در مورد مرد نوشت. او اعتراف می‌کند که شاعر عشق است و عشق چیزی جز مرد نیست (و هل الحب إلا الرجل) و می‌توان او را شاعر مرد دانست همان طوری که نزار قبانی شاعر زن است.

۲-۳. نگاهی گذرا به زندگی غادهٔ أحمد السّمّان

غاده أحمد السّمّان نویسنده و ادیب زن سوری زادهٔ دمشق در (۱۹۴۲.م) و از بنیانگذاران شعر نو در ادبیات عرب به‌شمار می‌رود. او توانست خود را از چارچوب تنگ مسائل و مشکلات بانوان نویسنده و فرهیخته در آن دوره اجتماعی خارج سازد و به مراتب بالاتر راه یابد. رمان‌های معروف او عبارتند از: بیروت ۷۵، کوابیس بیروت و فسيفساء الدمشقية يا الرواية المستحيلة که در دنیا و جهان عرب بسیار مورد توجه قرار گرفته‌اند. از ویژگی‌های مهم شعر او این است که او جسارت زن بودن را وارد شعر عرب کرد. «در میان شاعران عرب، السّمان نخستین شاعری است که از اصطبل جانوران اهلی عرب بیرون آمد و اسب سرکش عربی را در صحرای گسترده و پرنور عرب رها کرد» (فرزاد، ۱۳۸۵ :۱۱).

او در آثارش نسبت به جنگ اعراب و بسیاری از مسائل اجتماعی اعراب اظهار نظر کرد و به قول خودش با فریاد از مردان جامعه‌اش انتقاد کرد. او تمایل به تمرد و مقاومت در برابر خواسته‌ها و نظریات آنها داشت. او بدون ترس عیب‌های آنها را به تصویر می‌کشد و از تعصبات غلط و نابجای آنها شکایت می‌کند.

السّمان از معدود ادیبانی است که آثار وی، هم سطح عالی هنری دارد و هم با استقبال گستردهٔ مردمی مواجه است. «علت چنین توفیقی را آن دانسته‌اند که وی نه از سطح ادبی خود فروکاست و نه از هیچ موج سیاسی بهره برد؛ بلکه توانایی ادبی خود را با تلاش، کوشش، جسارت و استعداد فراوانش به تحقق رساند» (دی‌پاوال، ۱۹۹۲ :۹۶۳).

۲-۳-۱. تصویر مثبت از مرد روشنفکر و اهل مطالعه در شعر غادهٔ أحمد السّمّان

شخصیت‌های مرد در اشعار او اغلب مردانی از طبقهٔ متوسط و تحصیل کردهٔ جامعه هستند و خصوصیات خاصی دارند. این مردان اهل مطالعه روزنامه هستند که نشان و نمادی است برای بیان روشنفکری ظاهری این مردان. السمان در چندین شعر خود آن را مطرح کرده است. او در مجموعهٔ «علیک الحب» در شعر «أشهد ضدّک أمام محکمة اللیل» می‌گوید:

«أجْلِسُ وَ أتَأمّلُك..... وَ أنْتُ مَاتَزَالُ تَقَلّبُ صَفَحَاتِ مَجَلّتِک»

ترجمه: می‌نشینم و به تو می‌اندیشم ... و تو هنوز هم در صفحات مجله خود تلنگر می‌زنی (أعلنت علیک الحب،۱۹۷۶:۳۵).

و یا در ادامه می‌گوید: «... تَرْتَفِعُ عَیْنَکَ عَنْ مَجَلّتِک/ وَ تَنْظُرُ إلي دُونَ أنْ تَرَانِي»

ترجمه: نگاه خود را از مجله خود برمی‌داری و بدون دیدن من، به من نگاه می‌کنی (همان، ۵۹).

با بررسی اشعار السّمان می‌توان‌گفت که شعر او بیانگر اندیشه‌های وی در مخالفت با جامعهٔ مردسالار، اعتراض به وضعیت نامطلوب زنان و اصالت دادن به تجربه‌های زنانه در تقابل با گفتمان مسلط مردانه است و می‌توان از او به عنوان شاعران سنت‌شکن عصر خویش یاد کرد.

۲-۳-۲. تصویر منفی و اعتراض به خودخواهی و غرور مردان در شعر غادهٔ أحمد السّمّان

السمان آشکارا از خودخواهی مردان در فضای گفتمانی اجتماع روزگار خود، شکایت می‌کند و در این باره آشکارا می‌گوید: «لنْ أکُونَ سُبْحَةً بَیْنَ أصَابِعَکَ/ تَلْهُو بِهَا وَأنْتَ تُغَازِلُ مَعَ أخْرَی»

ترجمه: من تسبیحی نیستم در میان انگشتانت تا با آن بازی کنی؛ آنگاه که با زنی دیگر از عشق سخن می‌گویی (السمان، ۲۰۰۳: ۱۲۳).

او در اندیشه‌های شاعرانه و روح حساس خود از نابرابری‌ها، خیانت و ناتوانی‌های تحمیلی سخن می‌گوید:

«أعْرِفُ أنّني مَازِلْتُ/ وَاحِدَةً مِنْ رَعَایَاکَ یَا سَیّدي»

ترجمه: می‌دانم که من همیشه یکی از رعیت‌های تو هستم، ای سرورم! (همان، ۷۹).

السمان در پرداختن به شخصیت مردان در آثارش گرایش‌های جانبدارانه از زنان و مرد ستیزانه دارد. او در (روایة المستحیلة) سیمای مردی را معرفی می‌کند که داشتن فرزند دختر را افتخار نمی‌داند و از اینکه همسرش دختر به دنیا آورده است بسیار ناراحت است (فرازجو، ۱۳۹۵: ۸۱).

او در خلال بیان واقعیت‌های جامعهٔ عربی به ستیز و مقابله با رفتار مرد سالارانه پرداخته است. آنجا که می‌گوید:

«و لَنْ أغْفِرَلک/ فَقَدْ تَآمُرْتَ عَلَيّ مَعَ أعْمَاقِي.../ وَ مَنَعْتَ التَّحَوُّلَ في شَوَارِعِ عُمر ...»

ترجمه: هرگز بر تو نخواهم بخشید. تو با ژرفاهای من به توطئه نشستی و از حرکت من در کوچه‌های عمرم مانع‌شدی... (همان، ۸۱).

او در صحنه زیر جلوه‌ای از عشق مجازی مردان را به تصویر می‌کشد و آن را با تشبیه بیان می‌کند. او عشق را به آب در غربال تشبیه می‌کند که ناپایدار است:

«حبُّ الرِّجَالِ كَالماءِ في الغِرْبَال/ لَا تَاريخَ لي قَبْلَ عَيْنَيك/ لَا دَرْبَ لي غَيْر بَرْقِك/ لَا وَطَنَ لي غَيْر جَسَدِك/ لَا تَوقيتَ لي غَيْر نَبْضِك لَاخُبْزَ لي غَيْر قَمْحِ رَاحَتيك/ وَ لَن أهْرَب مِنْ حُبّك المُفْتَرِس/ فَالمَسَافَةُ بَيْنَ جَرْحي وَوَجْهِك/ لَيْلَة انْتظَار... / ...فَارْتدِ حُبِّي.. / وَ اخْلَع ذَاكِرَتك/ وَ لَن أهْرَب مِنْ حُبّك المُفتَرِس.../ تَسْتَطيع العَجائز أنْ تَثرثرَ: حبُّ الرِّجَالِ كَالماءِ في الغِرْبَال»

ترجمه: عشق مردان مانند آب در الک است، هیچ تاریخی پیش چشم من نیست، راهی جز من نیست؛ اما راهی برای من نیست جز رعد و برق تو هیچ وطن برای من غیر از بدن شما، زمان برای من نیست مرا بدون آسایش آسوده نکن، هیچ نانی جز گندم در دستان تو برای من نیست. من از عشق کشندهٔ تو فرار نمی‌کنم، فاصله بین زخم و چهره تو، یک شب انتظار... ، ... عشق من را بازیابی کن...، و خاطره خود را خاموش‌کن، و من از عشق کشندهٔ تو فرار نمی‌کنم...، پیرمردها می‌توانند گل بزنند: عشق مردان مانند آب در الک است (اعلنت علیک الحب،۱۹۷۶: ۶۶).

او در جایی دیگر ســـگان مرفه را نماد مردمانی بی‌درد می‌داند که درکی از نور و روشـــنایی و معنویت ندارند (داودی مقدم و اختری، ۱۳۹۵: ۱۷). و در شعر «شهادت می‌دهم که عشق به تو عید است» از مردانی می‌گوید که جای عشق ورزیدن به او، بر دهانش لگام زده‌اند و او را زندانی‌کرده‌اند: «همهٔ کسانی که قبل از تو دوست می‌داشتم برایم قفس، شلاق و لگام ساختند و قیچی برای بال‌هایم و دهان‌بندی برای آوازهای کولی وار» (اعلنت علیک الحب، ۱۹۷۶: ۶۸).

۲-۴. زندگی فدوی طوقان

فدوی دختر عبدالفتاح طوقان و خواهر شاعر فلسطینی معروف ابراهیم طوقان است. درشهر نابلس سال (۱۹۱۹) متولد شد. از متنبی و احمد شوقی و همچنین از شعر برادرش تأثیر پذیرفت. مسأله فلسطین در اشعارش تأثیر گذاشت و حس وطنی و روح مقاومت در اشعارش به وفور دیده می‌شود (هندی، ج۲، ۲۰۱۲: ۱۳۳). آثار شعری او شامل مجموعه‌های مختلف شعری است که در آغاز به صورت جداگانه چاپ شدن؛ سپس در یک کتاب با عنوان دیوان فدوی طوقان در انتشاراتی دارالعوده بیروت تجدید چاپ گردید.

۲-۴-۱. تصویر مثبت طوقان از عشق پنهانی به مردان

یکی از بهترین شعرهای فدوی طوقان قصیده موسوم به (القصیدة الاولی) است که در آن زن شرقی را به تصویر می‌کشد که شایسته نمی‌بیند عشقش را نسبت به مرد آشکارا ابرازکند. او در جواب مردی که از او می‌پرسد (آیا مرا دوست داری؟) اینگونه جواب می‌دهد:

«لا...لَاتَسْلني لَن أبوُحَ بِه/ سَيَظَلّ حُبّک سراغواري/ أعْطِيه مِنْ ذَاتِي وَامْنَحَه/ -مَاعِشْتُ -عَاطِفَتِي وَايْثَارِي/ أسْقِيه مِنْ عِطْرِي، أوسَده/ صَدْرِي، أناغِيه بِاسْفَارِي»

ترجمه: نه ... از من سؤال نکن که آن را فاش نخواهم کرد. عشقت پیوسته در درونم خواهد ماند. از عطرم آن را سیراب می‌کنم، آن را بر سینه خود می‌نهم و در سفرهای خویش با آن نغمه‌خوانی می‌کنم (هندی، ج۲، ۲۰۱۲: ۱۳۴).

طوقان، عشق را نعمت الهی می‌داند و تفاوتی بین زن و مرد در آن نمی‌بیند:

«أنا وَحَنيني البَعيد إليك/ وَ رَائحَة اللّيل وَ الذّكرَيات/ وَ أنشودة عَبَر مَوج الأثير/ تَبَارَكَ سِحْر الهَوى وَ الحَياة/ وَ غيبوبَة، وَ انتقَال بَعيد وَرَاءَ القفَار/ وَ عَبَر الصَّحَاري/ وَ كَانَ اللقَاء الغَرِيب السَّعيد/ طوَانَا هُنَاكَ عَلى الشّطّ لَيلٍ/ نَديّ الغَلائل، شَفّ مَضيء/ وَ أنْت بِجَنبِي طِفْلي الحَبيب/ تَنَفّض قِصَّةَ عُمر مَليء/ تَحَدّثني عَنِ الحَياة الكفَاح / وَ خَوضِ الرَّدَى/ وَ كَانَ الصَّدَى مُثيراً ، وَ كَانَت هُنَاكَ جرَاح... »

ترجمه: من و عشق عمیقم نسبت به تو، و رایحهٔ شب و خاطرات، و ترنم عبور موج اثیر، جادوی عشق و زندگی را متبرک می‌کند، و اغما، و انتقال به دور دستها را، و پشت زمین‌های بایر، و سراسر بیابان را، و دیدار عجیب و سعادتمندی بود، اینجا در ساحل شب به خود فرو می‌رویم، لباس‌ها مرطوب است، روشنایی سوسو می‌زند، و تو در کنارم مانند کودک محبوب منی، قصهٔ عمر سرشار را به لرزش می‌آوری، با من در مورد زندگی مبارزه، و غوطه‌ورشدن در مرگ سخن می‌گویی، و اینجا انعکاس، و هیجان و زخم بود... (طوقان، ۱۹۹۳: ۱۳۹-۱۴۰).

طوقان به بیان احساسات خود نسبت به مردان پرداخته و احساسات خود را با پرده‌پوشی بیان می‌کند. او در این شعر، مرد عشقش را به صورت یک کودک به تصویر می‌کشد که ناقص و نیازمند است و با زن مراحل تکامل را طی می‌کند.

۲-۴-۲. تصویر مثبت طوقان از اسطوره‌های عشق مردان قدیم و دعوت به الگوپذیری

اسطوره در شعر شاعران عرب نشان از خبرگی و مهارت آنها دارد و منبع الهام‌بخش آنان است و شاعران همواره سعی می‌کنند از دلالت‌های آن، در اشعار خود بهره ببرند. طوقان از اسطوره عشق عنتره و عبله سخن به میان می‌آورد و با ارائه تصویری مثبت از مرد اسطوره‌ای – عنتره- تعصبات قبیله‌ای و نژادی را در عشق رد می‌کند:

«الجنْد الجُنْد .../ أظَلّ أدُورُ أدُورُ أدُور/عَنْتَرةُ العَبسَيُّ يُنادِي مِنْ خَلْفِ السُّورِ/ يَا عَبْلَ تَزَوَّجك الغُرَبَاء وَإنّي العَاشِقُ!/ لَا تَرْفَعْ صَوْتَك يَا عَنْتَرَ وَيْلي وَيْلي!/ أنَا ابْنُ العَمّ وَعرْق العَيْن:/ يَا وَيْلي عَنْتَر مُخْتبِئ في أجْفَانِي/ يَسْمعُك الجُنْد يَرَاك الجُنْد»

ترجمه: سربازان!... سربازان!... پیوسته می‌چرخم و می‌چرخم. عنتره عبسی از پشت دیوار صدا می‌زند: ای عبله! بیگانگان به وصالت رسیدند، درحالی که من عاشقت هستم. صدایت را بلند نکن. عنتره! وای بر من، وای بر من. من پسر عمو و از نژاد توام. وای بر من عنتره پنهان از چشمانم، سربازان صدایت را می‌شنوند، تو را می‌بینند (همان، ۴۵۲).

۲-۴-۳. تصویر منفی اعتراض به قید و بندهای عشقی مردان و تساوی زن و مرد در شعر طوقان

طوقان نیز می‌خواهد از قید و بندهایی که مردان در عشق بوجود می‌آورند، رها شود و اینگونه ندا سر می‌دهد:

«أضيقُ، أضيقُ بِأغْلَالِ حُبّي/ فَامْضِي وَ تَمْضِي مَعي ثُورَتي/ أحَاوِلُ تَحْطِيمَ تِلْكَ القُيُود/ وَ يَمْضِي خيَالِي/ فَيَخْلُقُ لِي عَنْک قِصَّةَ غَدْر لكِيمَا أبَرّر عَنْک انْفِصَالِي/ وَ اقْصِيک عَنّي بَعِيداً بَعِيد/ لَعلّي أعَانِقُ حُرِيَتِي/ وَ أقْطَعُ مَا بَيْنَنَا/ غَير أنّي/ أحِسُّ إذمَا انْفَصَلْنَا/ كَأنّي / لُفِظْتُ وَرَاءَ حُدُود الوُجُودِ/ وَ يَثْقلُ قَلْبِي»

ترجمه: دل تنگم، دل تنگم، دل تنگم از زنجیرهای عشق، می‌گریزم و با من اضطراب هم می‌گریزد، می‌کوشم آن زنجیرها را در هم بشکنم، و رؤیایم می‌گریزد، و برایم از تو داستان فریب می‌سازد، تا دلیل جدایی‌ام را برایت بگویم، و از تو به دوردست‌ها می‌روم؛ دور دور، شاید آزادی‌ام را به آغوش بگیرم، و آنچه در بین ماست قطع می‌کنم، با این حال من، احساس‌می‌کنم، اگر از هم جدا شویم، مثل این است که من، فراتر از مرزهای وجود افکنده شده‌ام، و قلبم سنگین می‌شود (طوقان، ۱۹۹۳: ۱۶۸-۱۶۶).

۲-۴-۴. تصویر منفی طوقان از مردان غافل و خوشگذران

طوقان تصویری منفی از مردان غافل از مبارزه در برابر دشمن ارائه می‌دهد و وقتی می‌بیند مردان کشورش برای مقابه با دشمن هیچ اقدامی نمی‌کنند، از جنگجویان ویتنام می‌خواهد با یک میلیون زن عرب ازدواج کنند تا نژاد عرب اصلاح شوند و فرزندان جنگجو بدنیا آورند تا شاید تعصب و غیرت مردان را بیدار کند:

«يَا إخْوَتَنَا قُولُوا حَتَّام؟/ أوّاهُ وآهٍ يَا فِيتْنَام/ آهٍ لَو مِليُون مُحَارِب/ مِنْ أبْطَالِك/ قَذفتهُم رِيحٌ شَرْقِيّة/ فَوْقَ الصَّحْرَاء العَرَبيَّة/ لَفَرَشْت نَمَارِق/ وَ وَهَبْتُمُو مِلْيُون وُلودٍ قَحْطَانيَّة»!

ترجمه: ای برادران تا کی؟ آه، افسوس ای ویتنام! آه، اگر یک میلیون از جنگجویان قهرمانت را، باد شرقی در صحرای عربی می‌افکند تا بسترها بگستراندی و میلیون‌ها فرزند قحطانی می‌بخشیدی (همان، ۴۸۵).

۲-۴-۵. تصویر منفی طوقان از مردان ظالم و زورگو

سیادت وزورگویی مرد نسبت به زن در بسیاری از جوامع شرقی وجود دارد. طوقان با بهره‌گیری از داستان هابیل و قابیل، تصویری داستان‌گونه از مردان را ترسیم می‌کند و قابیل را رمز ظلم و قتل و غارت می‌داند:

«قَابِيل الأحمر مُنْتَصَبٌ في كُلِّ مَكَانٍ/ قَابِيل يَدُقُّ عَلَى الأبْوابِ/ عَلَى الشّرَفَاتِ/ عَلَى الجُدْرَانِ/ يَتَسَلّقُ يَقْفُزُ يَزْحفُ ثُعْبَاناً وَ يَفُحُّ/ بِألْفِ لِسَانٍ/ قَابِيلُ يُعَرْبِدُ في السَّاحَاتِ/ يَلِفُّ يَدُورُ مَعَ الإعْصَارِ، يَسُدُّ- / مَسَالِكَ/ وَيَشَرّعُ ابْوَابَاً لِمَهَالِك/ يَحْمِلُ في كَفَّيه غَسُولَ لِدَمٍّ-/ تَوابِيت النَّيرَان/ قَابِيلُ إلهٌ مَجْنُونٌ يَحْرِقُ رُومَا»

ترجمه: قابیل سرخ در هر مکانی برافراشته شده، قابیل، درها را می‌کوبد، ایوانها را، دیوارها را بالا می‌رود، می‌جهد، می‌خزد چون مار و فش‌فش می‌کند، با هزار زبان قابیل در میدان‌ها عربده می‌کشد، در هم می‌پیچد، با روزگاران می‌چرخد، راه‌ها را مبندد، درها را نشانه

می‌رود برای به خطر انداختن، در دستانش محلول خون و تابوت‌های آتش حمل می‌کند، قابیل، خدای دیوانه‌ای است که روم را می‌سوزاند (طوقان، ۱۹۹۳: ۴۶۲).

۲-۴-۶. تصویر منفی طوقان از مردان بی‌وفا

فدوی در شعر زیر بی‌وفایی مرد را به تصویر می‌کشد که از او جدا شده و با دیگری همراه شده و به او اظهار می‌کند که با وجود بی‌وفایی‌اش باز هم به عشق او تردید دارد و تنها به یاد خاطرات او امید دارد:

«تشُکُّ بِحُبِّی وَ کُنْتَ مَعَ الآخرِینَ وَحِیدَةً / بَعِیداً هُنَاکَ/ بَعِیداً بِتِلْکَ الأقَاصِی البَعِیدَةْ/ وَ زَادِی مِنْکَ کِتَابٌ وَ صُورَةُ تَنَامُ بِصَدْرِی/ وَ زَادِی مِنْکَ زُجَاجَةُ عِطْرٍ/ یَنثُ بِأعْمَاقِ رُوحِی عَبِیرَهُ/ وَ حِیْنَ رَجَعْتُ إلَیْک/ رَجَعْتُ بِکُلِّ تَعْطِشِ قَلْبِی / لَأنشُرَظَلِّی عَلَیْک/ لَأعْطِیک حُبِّی/ وَ کَانَتْ بِعَیْنَیک نَظْرَةُ عَتْبٍ وَ شَکٍّ وَ رَیْبٍ/ تَشُکُّ بِحُبِّی/ لأنِّی حَجَبْتُ رَسَائِلَ قَلْبِی/ وَ هَا أنَا بَیْنَ یَدَیْک/ بِکُلِّ حَنِینِی إلَیْک/ بِکُلِّ تَعْطِشِ قَلْبِی/ وَ تَرْتَاب بَعْد بِحُبِّی؟»

ترجمه: به عشقم شک می‌کنی، در حالی که خودت با دیگران تنها هستی، در آن دور دست‌ها، درآن سرزمین‌های بسیار دور، کوله‌بارم از تو کتاب و عکسی است که بر روی سینه‌ام خفته، توشه‌ام از تو شیشهٔ عطری است که بوی خوش آن در اعماق جانم جاری می‌شود، و هنگامی که به سوی تو برگشتم، با تمام عطش دلم برگشتم تا سایه‌ام را بر تو بگسترانم، عشقم را به تو ببخشم؛ اما در چشمان تو سرزنش و شک و تردید بود، به عشقم شک می‌کنم، چرا که من پیامهای دلم را پوشاندم و اینک در مقابلت هستم، با تمام مهربانی که به تو دارم، با تمام عطش دلم، و هنوز تو به عشقم شک داری (همان، ۱۰۵).

با توجه به مطالب بالا می‌توان گفت که طوقان عشق را نعمت الهی می‌داند و تفاوتی بین زن و مرد در آن نمی‌داند و به عشق عفیف دعوت می‌کند و از اسطوره عشق قدیم مانند عنتره سخن می‌راند. سیمای مرد در اشعار او گاهی سلطه‌گو و زورگو و گاهی معشوقی است که زندگی بدون او ناقص است. او از قید و بندهای عشقی، مردان غافل و خوشگذران، بی‌وفا، ظالم و زورگو اعتراض می‌کند و دعوت به تساوی حقوق زن و مرد در جامعه می‌کند.

۲-۵. نگاهی گذرا به زندگی نازک الملائکه

نازک صادق الملائکه شاعر معاصر عراق در سال (۱۱۲۰.م) در خانواده‌ای شیعه مذهب و دوستدار علم و ادب متولد شد. او در دوران مدرسه شاگرد ممتاز بود و در دوران نوجوانی و جوانی به فراگیری موسیقی، زبان فرانسه، انگلیسی و نقد ادبی پرداخت. او چندین سال در ایالت متّحده آمریکا برای یادگیری انگلیسی اقامت داشت. بعد از مدّتی وارد دانشگاه کمبریج شد و در آنجا موفق به أخذ مدرک دکترا گردید و بعد از بازگشت به عراق، به نوشتن نقد ادبی همّت گماشت. در سال (۱۱۳۳.م) انقلاب ۱۴ تموز در عراق روی داد و طی آن حکومت رشید علی گیلانی که سر سپرده انگلیسی‌ها بود سرنگون شد و کشور عراق به آزادی واقعی و استقلال خود دست یافت. این مسأله در زندگی نازک تأثیر بسیاری گذاشت. در این دوره، به علّت فشارهای حکومتی در بیروت اقامت داشت و اشعار انقلابی خود را در بیروت به چاپ رساند (انصاری و جان‌نثاری، ۱۳۹۲: ۲۰ – ۲۱). نازک الملائکه از سال(۱۹۹۰) پس از حمله صدام به مصر در قاهره زندگی می‌کرد. وی در سال ۲۰۰۷ در سن ۸۵ سالگی پس از یک دوره ابتلا به بیماری درگذشت.

معمولاً نازک الملائکه را در ایران از لحاظ ابداع شعر نو در برابر افرادی همچون نیما یوشیج و از لحاظ مضامین و احساسات شاعرانه در برابر فروغ فرخزاد می‌دانند.

۲-۵-۱. تصویر مثبت نازک الملائکه از مرد رؤیایی خود

تصویر نازک از مرد رؤیاها و آرمان‌گرایانه و ایده‌آل، همان شخصیت نمونه و آرمان‌گرایانه مردانه‌ای است که او را انسان شریفی می‌داند که در زندگی او به صورت سازنده و مثبت تأثیرگذار است و صادقانه و شاعرانه به او عشق می‌ورزد.

ویژگی‌های زمانی دوران زندگی نازک، مسائل سیاسی و اجتماعی عصر او، خصوصیّات شخصی و توان علمی و ادبی‌اش باعث شده تا او به این موضوع بیشتر توجه نشان دهد. او در شعر زیر چهره مرد رؤیایی خود را در ذهن خود ترسیم می‌کند، مرد مسافری که انتظار آمدنش را می‌کشد و به هر کجا نگاه می‌کند حضور او را حس‌می‌کند، اما هنگامی که به خود می‌آید، می‌فهمد که آن تنها یک رؤیا بوده است:

«ولَو كُنْتَ جِئْتَ ... وَكُنّا جَلَسْنَا مَعَ الآخَرينَ/ وَدَارَالحَديثُ دَوَائرَ وَانْشَعَبَ الأصْدِقَاء/ أمَا كُنْتَ تُصْبِحُ كَالحَاضِرِينَ وَكَانَ المَسَاءْ / يَمُرُّ وَ نَحْنُ نُقَلّبُ أعْيُنَنا... حَائِرِينَ/ وَ نَسْأَلُ حَتَّى فَرَاغَ الكُراسِي/ عَنِ الغَائِبِينَ وَرَاءَ الأمَاسِي/ وَ نَصْرُخُ أنَّ بَيْنَهم زَائِراً لَم يَجِئ؟»

ترجمه: و اگر بیایی... و ما با دیگران نشسته باشیم و حلقه‌های صحبت دایر باشد و دوستان گرد هم جمع باشند، تو مانند دیگران حاضر هستی و شب می‌گذرد و ما با چشمان حیرت‌زده نگاه می‌کنیم و می‌پرسیم از صندلی‌های خالی، از غایبین اول شب، و فریاد می‌زنیم که در میان آنها مسافری هست، آیا نمی‌آید؟ (الملائکة، ۱۹۹۷: ۳۲۹-۳۲۸).

«ومَا كُنْتُ أعْلَمُ أنّكَ إنْ غِبْتَ خَلْفَ السّنِينَ/ تَخَلّف ظِلّكَ في كُلِّ لَفْظٍ وَفي كُلّ مَعنًى/ وَ في كُلِّ زَاوِيةٍ مِنْ رُؤيايَ وَ في كُلّ مُنْحَنِ/ و مَا كُنْتُ أعْلَمُ أنّكَ أقْوَى مِنَ الحَاضِرِينَ»

ترجمه: و نمی‌دانستم که اگر، تو در پشت سالها پنهان‌شوی، سایه‌ات در هر لفظ و هر معنی جانشین می‌شود و در هر گوشه و کنارِ رؤیایم و در هر پیچ وخمی و نمی‌دانستم که از همه حاضران نیرومندتری (همان، ۳۲۸).

«أنا لَولَاكَ كُنْتُ مَا زِلْتُ سِرّاً/ خَافَتَ اللّحْنِ بَاهَتَ التّلوِينِ/ أنْتَ عَلّمْتَ قَلْبِيَ المُطْبَق الكَفِّ/ سَخَاءَ النّدَى وَبَذْلَ اللّهِيبِ»

ترجمه: اگر تو نبودی من همچنان رازی بودم با لحنی خاموش و پنهان و رنگ پریده، تو به قلب دست بسته‌ام سخاوت شبنم و بخشش شعله را آموختی (همان، ۵۵۰).

در این شعر رؤیا با عشق پیوند می‌خورد، تا جایی که شب در خاطره شاعر سایه‌افکن می‌شود و در سکوت و تنهایی، رؤیا به سراغ او می‌آید، او منتظر کسی است که می‌آید تا سکوت شب را بشکند، هر چند او در قلب شاعر حضور دارد و غایب نیست.

۲-۵-۲. تصویر منفی نازک الملائکه از مرد بی‌وفا

نازک مرد بی‌وفایی را به تصویر می‌کشد که به او پشت نموده و دلش را شکسته و به شعور شاعرانه او بی‌احترامی نموده در حالی که او نسبت به عشقش وفادار است و با این عبارات این صحنه را به ترسیم می‌کند:

«حبِّي الإلهَيُّ النَّقيُّ ظَلَمْتَه/ وَ وَفاءُ رَوحِي الشَّاعِرِيُّ العَابِد/ قَلْبِي الرَّقِيقُ أسَأتَ فَهْمَ حَنينه/ وَ نَشِيدُ أحْلَامِي وَ رُوحُ قَصَائِدِي/ لَمْ أدْرِ مَاذَا كَانَ إلَّا رَعْشَةٌ/ في رُوحِيَ الولهِي وَ قَلْبِي الشَّارِد/ وَ خَلَا المَكَانُ وَ عُدْتُ أسْألُ وَحْشَتِي/ عَنْ طِيفِكَ النَّاسِي وَحُبِّي الخَالِد»

ترجمه: به عشق خدایی و پاک من و به وفای روح شاعرانه و عبادتگر من ستم کردی و به قلب مهربان من و به شعور عاشقانه‌ام و به ترنم رؤیاهایم و به روح شعرهایم بدی کردی، نمی‌دانستم چه بود، مگر لرزشی در روح دیوانه‌ام و قلب سرگردانم، و مکان خالی شد و بازگشتم تا بپرسم از تنهایی‌ام، از وهم فراموشکار تو و از عشق پایدار من (الملائکة، ۱۹۹۷: ۵۲۲).

«أنّتَ أنّتَ الذي احْتَفَظْتُ بِذِكْرَاهُ/ فَلَمْ يَنْسَهَا فُؤادِي الوَفِيُّ /كَيْفَ غَابَتْ عَنْ ذِكْرَيَاتِكَ أحْلَامِي/ وَ شُوقِي وَ حُبِّي الرُّوحِيّ»

ترجمه: تو کیستی که خاطره‌اش را به یاد دارم و قلب وفادارم آن را فراموش نکرده است، چگونه رؤیاهای من و اشتیاق و عشق روحانی من از خاطراتت گم شد (همان، ۵۵۶).

و با اینکه می‌خواهد عشقش را فراموش کند؛ اما نمی‌تواند و احساس می‌کند با فراموشی او خودش را کشته است و با این کلمات زیبا بیان می‌کند:

«وَكُنْتُ قَتَلْتُكَ السَّاعَةَ في لَيْلِي وَفِي كَأسِي/ وَ كُنْتُ أشَيِّعُ المَقْتُولَ في بُطْءٍ إلى الرَّمْسِ/ فَـادْرَكْـتُ وَ لَـونُ الـيَأسِ فـي وَجْـهِي/ بِأنِّي قِطّ لَـمْ أقْـتُلْ سِـوَى نَـفْسي»

ترجمه: و تو را ساعتی در شبم و در جامم به قتل رسانده بودم و مقتول را با آرامش به سوی قبر تشییع کرده بودم؛ در حالی که رنگ یأس در چهره‌ام بود، فهمیدم که کسی جز خودم را نکشته‌ام (همان، ۳۳۹).

۶. نتیجه

سیمای مردان در اشعار زنان، بیانگر جهان‌بینی و نگرش آنان نسب به مرد است و این مفهوم در شعر آنان به صورت ایجابی و سلبی مشاهده می‌شود. این حضور جلوه‌های متفاوتی دارد؛ گاهی مرد ایده‌آل و نمونه و معشوق زمینی است، و گاهی عاشق است. گاهی مرد بی‌وفا و گاهی منفور، گاهی مرد به شکل ستمگری ظاهر می‌شود که مانع آزادی و رشد و بالندگی زن است و شاعران زن گاه با زبان نمادین و گاه به صراحت با مفاهیمی چون ظلم، و اندوه و حسرت، بی‌وفایی، از جامعه مردسالار انتقاد کرده‌اند.

جستار حاضر به واکاوی تصویر مرد در شعر (لمیعۀ، غادۀ السمان، فدوی طوقان، نازک الملائکه) پرداخته است و در پی پاسخ به سؤالات زیر است که جلوه‌های مثبت و منفی مرد در شعر این چهار شاعر زن مشهور عرب کدام است؟ و نظر طوقان و لمیعۀ در مورد مرد چیست؟ آیا مردان در آثار و افکار این دو شاعر به طور خاص مورد توجه قرار گرفته‌اند؟ در پاسخ باید گفت که سیمای مرد در شعر این شاعران به دو شکل است: ۱) شکل ایجابی و مثبت که سیمای مردان معشوقی است که مظهر عشق و آرامش، مرد رؤیایی، اسطوره‌ای، روشنفکر و اهل مطالعه هستند. ۲) شکل سلبی و منفی که سیمای مردان هوس باز و غافل و خوشگذران، بی‌وفا، ظالم و زورگو، خودخواه و مغرور و اسیر قید و بندهای عشقی را به تصویر می‌کشند که قابل پذیرش نیست.

توجه لمیعۀ به ترسیم سیمای مردان در چنان برجسته است که از مجموع تمام قصایدی که لمیعۀ سروده، ۹۱ قصیده در مورد مردان است که ۸۸ قصیدۀ آن در مورد الرجل المعشوق (مرد محبوب و مثبت) و ۳ قصیده در مورد مردان هوس باز (الرجل اللعوب) است و ۴ قصیده درمورد زن سروده است.

طوقان به بیان احساسات خود نسبت به مردان پرداخته و احساسات خود را با پرده‌پوشی بیان می‌کند. او زن و مرد را موجب تکامل همدیگر می‌داند. مرد در اشعار او گاهی سلطه‌گو و زورگو و گاهی معشوقی است که زندگی بدون او ناقص است.

السمان در برخی از اشعارش مانند یک منتقد اجتماعی به بی‌عدالتی‌ها می‌تازند و به جامعۀ مردسالار و وضعیت نامطلوب زنان اعتراض می‌کند و سطحی‌نگریهای افراد را به سخره می‌گیرد و می‌توان از او به عنوان شاعران سنت‌شکن عصر خویش یاد کرد.

و در مجموع می‌توان گفت که این شاعران در اشعار ایجابی خود، سیمای مرد را به خوبی به تصویر می‌کشند و به او احترام می‌گذارند و او را قهرمان و اسطورۀ آرامش و راحتی خود می‌دانند و به او عشق می‌ورزند و تجربیات عاطفی خود را هنگام به تصویر کشیدن مرد نشان می‌دهند. و در اشعار سلبی خود سیمای مردان هوس باز و غافل و خوشگذران، بی‌وفا، ظالم و زورگو، خودخواه و مغرور را به تصویر می‌کشند.

کتابنامه

کتاب‌های فارسی

۱) حسین زاده بولاقی، شهربانو. (۱۳۸۷). **بررسی شعر بانوان در ادبیات معاصر**. شیراز: انتشارات نوید.

۲) فرزاد، عبدالحسین. (۱۳۸۵). **در بند کردن رنگین کمان**. چاپ سوم. تهران: چشمه.

۳) فرازجو، حمیده. (۱۳۹۵). **پایان‌نامه ارشد، بررسی تطبیقی سیمای مرد در آثار زویا پیرزاد و غادۀ السمان**. بندرترکمن: دانشگاه پیام نور.

۴) میرزاده، طاهره. (۱۳۹۵). **پایان‌نامه ارشد، نقد کهن‌الگویی شخصیت مرد در شعر شاعران زن معاصر عرب**. بی‌جا: دانشگاه زابل.

کتاب‌های عربی

۱) احمدحسن، نشوۀ. (۲۰۱۷). **صورۀ الرجل فی شعر المرأۀ العربیۀ فی النصف الثانی من القرن العشرین**. رسالۀ الماجستیر. مصر: جامعۀ عین الشمس.

۲) دی کاپوا، پاولا. (۱۹۹۲). **التمرد والالتزام فی أدب غادۀ السمان**. لبنان: دارالطلیعۀ للطباعۀ و النشر.

۳) الربیعی، احمدحاجم. (۲۰۱۴). **صورۀ الرجل فی شعر المرأۀ الاندلسیۀ**. عمان: دارالغیدا للنشر.

۴) السمان، غادۀ. (۱۹۷۵). **الروایۀ المستحیلۀ**. الطبعۀ الاولی. بیروت: منشورات غادۀ السمان.

۵) السمان، غادۀ. (۱۹۷۶). **اعلنت علیک الحب**، الطبعۀ الاولی، بیروت: منشورات غادۀ السمان.

۶) السمّان، غادۀ. (۱۹۹۲). **عاشقه فی محبره**. الطبعۀ الاولی. بیروت: منشورات غادۀ السمان.

۷) السمان، غادۀ. (۱۹۹۷). **الروایۀ المستحیلۀ**، الطبعۀ الاولی. بیروت: منشورات غادۀ السمان.

۸) السمان، غادۀ. (۲۰۰۳). **الرقص مع البوم**. الطبعۀ الاولی. بیروت: منشورات غادۀ السمان.

۹) السیف، عمر بن عبدالعزیز. (۱۳۹۶). **الرجل فی شعر المرأۀ: دراسۀ تحلیلیۀ للشعر النسوی القدیم و تمثلات الحضور الذکوری فیه**. الطبعۀ الاولی. بیروت: الانتشار العربی.

۱۰) طبانه، بدوی. (۱۹۷۴). **أدب المرأۀ العراقیۀ فی القرن العشرین**. الطبعۀ الثانی. بیروت: دارالثقافۀ.

۱۱) طوقان، فدوی. (۱۹۹۳). **الأعمال الشعریۀ الکاملۀ**. بیروت: المؤسسۀ العربیۀ الدراسات.

۱۲) طوقان، فدوی. (۱۹۹۳). **الاعمال الشعریه الکامله**. بیروت: الموسسه العربیۀ للدراسات و النشر.

۱۳) الظفیری، محمد مهاوش. (۲۰۱۶). **صورۀ الرّجل فی شعر المرأۀ. قراءات تحلیلیۀ فی تجارب عدد من الشاعرات الشعبیات**. أبوظبی: آکادیمیه الشعر.

١٤) عباس عمارة، لمعية. (١٩٦٩). **أغانى عشتار**. بغداد: المؤسسة التجارية الطباعة.

١٥) عباس عمارة، لمعية. (بی‌تا). **البعد الأخير**. بيت سين. للكتب. بغداد.

١٦) عباس عمارة، لميعة. (١٩٧٢). **عراقية (مجموعة شعرية)**. طبعة الثانى. لبنان: دارالعودة.

١٧) عمر، احمد مختار. (١٩٩٦). **اللغة واختلاف الجنسين.** الطبعة الأولى. القاهرة: عالم الكتب.

١٨) محمود، بشرى عبدالرزاق. (٢٠١٤). **البنية الصوتية فى شعر بدر شاكر السياب و لمعية عباس عمارة دراسة حاسوبية.** القاهرة: كلية دارالعلوم.

١٩) الملائكة، نازک. (١٩٩٧). **ديوان.** جلد ١و٢. بيروت: دارالعودة.

٢٠) نژاد نادری، جاسم. (١٣٨٩). **پایان‌نامه ارشد، مكانه الرجل فى شعر سعادالصباح**. بی‌جا: دانشگاه اصفهان.

٢١) هندی، احسان (٢٠١٢). **اشهرشاعرات الحب فى بلاد الشرق و الغرب**. دمشق: منشورات الامه السوريه للكتاب الهيئه.

مقالات فارسی و عربی

١) قهرمانی، علی؛ قهرمان‌پور، معصومه. (١٣٩٥). «مقایسهٔ تطبیقی سیمای مرد در اشعار فدوی طوقان و سیمین بهبهانی». تهران: کنگره بین‌المللی زبان و ادبیات.

٢) انصاری، نرگس؛ جان‌نثاری، زهرا. (١٣٩٢). «بررسی مقایسه‌ای نازک الملائکه و جان کیتس». سال۵، ش١٣، صص ٣٩-١٧. قزوین: لسان مبین.

٣) حسینی زاده، سیدعلی؛ شرفی‌جم، محمدرضا؛ صادق‌زاده، علیرضا؛ باقری، خسرو. (١٣٨٩). «نقد دیدگاه فمینیسم لیبرال در زمینه برابری زن و مرد از منظر قرآن و روایات». دوره ۵، ش١١، صص ۵٨-٣٣. تهران: تربیت اسلامی.

۴) داودی‌مقدم، فریده؛ اختری، طاهره. (١٣٩۵). «عصیان و هنجارگریزی درشعر فروغ فرخزاد و غاده السمّان». دوره ٨، شماره ٢ پاییز و زمستان، صص ١١٢-٩٣. تهران: ادب عربی.

۵) بلقاسم، فداق. (٢٠١٧). «صورة الرّجل فى شعر المرأة الأندلسية». *مجلة اللغة العربية وآدابها*. العدد١۶. الجزاير. صص ٣٨٠-٣۶۵.

لاتین

١) Hawkesworth, Mary E. (٢٠٠٦).Globalization and Feminist Activism. Rowman& Littlefield. pp. ٢۵–٢٧.

التنظيرات و النقد فى الأدب العربي
السنة الثانية، العدد ٧، خريف ١٤٠١
صص: ٤٠-٢١

DOI: ١٠,٢٢٠٣٤/JRAL.٢٠٢٥,٥٤١٣٨٠,١٠٦٤

تحليل صورة الرجل في قصائد الشاعرات العربيات المعاصرات

(دراسة: لميعة عباس عمارة، غادة السمان، فدوى طوقان، نازك الملائكة)

هدايت‌الله تقی‌زاده [١]

(تاريخ الوصول: ١٤٠٤/٠٥/٢٣ , تاريخ القبول: ١٤٠٤/٠٦/١٧)

الملخص

صورة الرجل في شعر النساء، منذالقدم، ارتبطت بموضوعات متنوعة. في العصرالحديث، التغيراتالاجتماعية و التأثر بالثقافة الأوروبية جعلت الشاعرات يعبرن عن مشاعرهن تجاه الرجل بحرية أكبر، و يقدمن صوراً حية عن واقعهن؛ لذا يجب أن نبحث عن صور الرجل في أشعارهن. تهدف هذه المقالة إلى تحليل موضوع الرجل في شعر أربع شاعرات عربيات معاصرات: لميعة عباس عمارة، غادة السمان، فدوى طوقان، ونازك الملائكة، باستخدام المنهج الوصفي التحليلي. تساؤل البحث: كيف تتجلى الصورة الإيجابية و السلبية لشخصية الرجل في شعرهن؟ ما رأي لميعة و طوقان في الرجل؟ هل حظي الرجل باهتمام خاص في أعمال هؤلاء الشاعرات؟ في الإجابة، يمكن القول إن صورة الرجل في شعر هؤلاء الشاعرات تأخذ شكلين :١) الصورة الإيجابية: حيث يظهر الرجل كمحبوب، رمز للحب والطمأنينة. ٢) الصورة السلبية: التي تصور الرجل كمتهتك، غادر، ظالم، و أناني. النتائج تُظهر أن الشاعرات الأربع، رغم اشتراكهن في اللغة، لديهن تشابهات و اختلافات في الموضوع و الأسلوب. عبرن عن مشاعرهن، تارة بالرمزية و تارة بالصراحة، حول مفاهيم مثل الظلم، الحزن، و التمييز، منتقدات المجتمع الذكوري و كاشفات الوجه الحقيقي للرجل. مع اختلاف أن لميعة عبّرت عن مشاعرها تجاه الرجل بصراحة، بينما فدوى طوقان استخدمت التلميح. أما شعر غادة السمان و نازك الملائكة، فهو معارض للمجتمع الذكوري، يتناول غدر الرجل و يحتج على الوضع غير العادل و عدم المساواة في حقوق المرأة.

الكلمات المفتاحية: صورة الرجل، الشاعرات العربيات المعاصرات، الصورة الإيجابية للرجل، الصورة السلبية للرجل.

---

١. أستاذ مشارك، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية العلوم الإنسانية، جامعة فرهنجيان، طهران- إيران، البريد الإلكتروني: drtaghizadeh@cfu.ac.ir